

خوانش همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در آیات و

روایات؛ بررسی واژه‌های ضحك، داعب، فرح، سرور

فرهاد محمدی نژاد^۱/ استادیار گروه معارف و الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۲-۰۳۴۱-۷۵۱

چکیده

قرآن، معجزه جاودان اسلام ابعاد گوناگونی از اعجاز بیانی را دارا است. هدف از تحقیق حاضر طرح و توصیف مفهوم با هم آیی شادی در قرآن کریم و روایات و توجه به نقش ترکیبات هم‌آیند در مسائل کاربردی است. شادی در قرآن و احادیث، به دو بخش ممدوح و مذموم تقسیم می‌شود. شادی ممدوح شادی توأم با اهداف الهی و انسانی بوده که انسان در آن از نظر روحی، سبک‌بال شده و از شرایطی که در آن قرار گرفته است رضایت، کسب می‌کند؛ حال سؤال این است واژه‌های دال بر شادی ممدوح در قرآن به لحاظ مفهوم‌شناسی چه معنا، ابعاد و ویژگی‌هایی دارد؛ پژوهش حاضر به بررسی تحلیلی-توصیفی همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در آیات و روایات می‌پردازد. از این رو، در مقاله حاضر، در حوزه نظری مروری بر آرا زبان‌شناسی فرث، پالمر، در حوزه زبان‌شناسی کاربردی، داشته و در ادامه به تحلیل و توصیف مفهومی این پدیده زبانی در واژه‌های دال بر مفهوم شادی، می‌پردازد. نتایج بیانگر این است که یقین و رضامندی، نقطه اتکای مطمئن، خوش رویی و محبت و دوری از شادی‌های ناپایدار، از جمله همایندهای علی مرتبط با شادی ممدوح است. هفده واژه متناظر با مفهوم شادی در قرآن و روایات بکار رفته، که برخی جزء واژگان مشترکی بوده که هر دو مفهوم شادی ممدوح و مذموم را مد نظر داشته است. یکایک این واژگان دارای افتراق و تمایزهایی است که موجب امتیاز به کارگیری هر یک در موقعیت خاص و معین می‌شود.

واژگان کلیدی: مفهوم‌شناسی شادی ممدوح، با هم آیی واژگان، همایندهای علی، قرآن کریم، روایات.

۱. نویسنده مسئول: f_mohamadinejad@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

آیات قرآن متشکل از مجموعه‌های به هم پیوسته از کلمات یا واژگانی است شکل یافته‌اند که پرداختن به آن از منظر مفهوم‌شناسی به فهم مبانی قرآنی کمک می‌کند. بدون مفهوم‌شناسی دقیق واژگان، پژوهشگر نمی‌تواند به مفهوم صحیحی از قرآن دست یابد و از دریافت ابعاد آن محروم می‌ماند.

اولین مرحله در معناشناسی، شناخت مفردات آن است؛ زیرا برخی الفاظ در روند با هم آبی خود دچار تحول یا تغییر می‌شوند. دوره معاصر با آغاز روش‌های نقد ادبی، زبان‌شناسی، و معناشناسی، ابزارهای جدید و متفاوتی با کاربری‌های نو در اکتشاف گوهرهای دریای بی‌کران قرآن کریم فرا روی ما قرار داده است. متن قرآن، متنی سرشار از پیچیدگی‌های زبانی و معنایی است که در زمانی مشخص و در بستر فرهنگی-تاریخی خاصی نازل شده است. لذا پرداختن به همایندهای علی در راستای رسیدن به معنای حقیقی قرآن اهمیت بسزایی دارد.

شادی به معنای خوشی و خرمی، سرور، تازگی، طراوت، شادمانی، سرزندگی، زنده‌دلی، سبکی و چالاک‌ی، طرب، خرسندی، خجستگی، کامروایی، رغبت درونی، ضد افسردگی و نظیر آن، در نظر گرفته شده است (معین، ۱۳۸۱ش: ۲۶۳). شادمانی که هدف مشترک افراد است و همه برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند، عبارت است از: ارزش‌یابی افراد از خود و از زندگی‌شان. نگاهی اجمالی به متون دینی نشان می‌دهد که اسلام، دین شادی و حلاوت و نشاط‌های پایدار است، اما شادی آمیخته با فساد را تجویز نمی‌کند و برای مسلمانان، سبک‌سری و هرزگی را به بهانه‌ی شادی روا نمی‌دارد تا آنجا که رستگاری مومنان در پرتو رعایت آن استوار شده است: « قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ.. وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ » (المؤمنون: ۱-۳) به راستی که مؤمنان رستگار شدند ... و آنان که از بیهوده رویگردانند

به عبارت دیگر، شادی‌هایی که مزاحم و مانع شادی پایدار انسان نباشند، شادی مثبت و روایند؛ اما شادی‌های مزاحم شادی پایدار، ناروا و منفی‌اند در همین رابطه است که می‌فرماید: «ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ» (غافر: ۷۵) این [عقوبت] به سبب آن است که در زمین به ناروا شادی و سرمستی می‌کردید و بدان سبب است که [سخت به خود] می‌نازیدید.

این آیه، به روشنی نشان می‌دهد که شادی‌های زندگی، دو دسته‌اند: شادی‌های ممدوح و شادی‌های مذموم.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تا جایی که نگارنده بررسی نموده، در این زمینه کتاب یا مقاله مستقلی تألیف نشده، اما پژوهش‌های با رویکرد گردآوری قرآن به صورت کلی تألیف شده است. از جمله عبارتند از:

الف. محمدی ری شهری، ۱۳۹۱: در کتاب الگوی شادی از نگاه قرآن و حدیث، به گردآوری برخی آیات و احادیث که دلالت بر شادی می‌کند، پرداخته است و همچنین وی به موانع شادی و درمان آن‌ها، عوامل و آداب شادی می‌پردازد.

ب. مردانی نوکنده، ۱۳۹۱: مجله حبل‌المتین: در پژوهشی با عنوان «چیستی و ماهیت شادی در قرآن و روایات و راهکارهایی برای شاد زیستن» عنوان کرده دین اسلام که به تمام نیازهای روحی و جسمی انسان توجه داشته، موضوع شادی را نیز مورد توجه قرار داده است.

ج. رزمی، ۱۳۹۳: در پایان نامه خود با عنوان «بررسی آیات امید بخش قرآن با تأکید بر تقویت روحیه جوانان» به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از آیات و روایات و «با هدف تقویت روحیه انسان‌ها، خصوصاً جوانان برای بنای جامعه‌ای موفق، مستقل و پرتلاش» به تبیین آیاتی از قرآن می‌پردازد.

د. ویسی، ۱۳۹۲- نشریه نوگرا: در پژوهشی با عنوان «شادی و سرور از دیدگاه قرآن» ضمن اشاره به برخی آیات، عنوان کردند که «شادی در قرآن دارای جایگاه خاصی است و به گونه‌های مختلف مورد تأیید و توجه قرار گرفته است.

هـ. رضایی، ۱۳۸۹: در پایان نامه‌ی خود با عنوان «شاخص‌ها و مصادیق تفریح و تفرج سالم از منظر قرآن و روایات» به اهمیت و جایگاه مهم تفریحات سالم و نقش سازنده‌ی آن در جوامع بشری پرداخت و لزوم پرداختن به آن به ویژه در جهان امروز که عصر پیشرفت علم و فناوری و عصر ارتباطات سریع جوامع بشری است را مورد تأکید قرار داد. ضمن بررسی آثاری که در این حوزه کار شده و ضمن اشاره به مقالات مشابهی که با عنوان شادی روا و ناروا یا شادی مطلوب یا غیر مطلوب و... ولیکن امتیاز جستار

حاضر بر این بوده که ضمن استخراج واژگان متناظر بر مفهوم شادی، به بررسی همایندهای علی و مفهوم -شناسی شادی ممدوح در پرتو آیات و روایات می‌پردازد.

اما تمرکز پژوهش حاضر بر آن است که به بررسی «خوانش همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم -شناسی آن در آیات و روایات؛ مطالعه موردی واژه‌های ضحک، داعب، فرح، سرور» بپردازد.

۱-۲. پرسش پژوهش

مقاله حاضر پاسخ به سؤال ذیل را مد نظر دارد:

الف. بر مبنای رابطه مفهومی، چند ترکیب همایندی مرتبط با شادی ممدوح قابل بررسی و استخراج است؟

ب. در قرآن کریم و روایات چه شماری از واژگان بر شادی ممدوح دلالت دارد؟

ج. شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در قرآن کریم و روایات، چگونه قابل بررسی می‌باشد؟

د. بر مبنای رابطه مفهومی، چهار ترکیب همایندی مرتبط با شادی ممدوح استخراج شد که حکایت از زنجیره به هم پیوسته‌ای دارد که در کلیت، رابطه این همایندها علت و منشأ شادی ممدوح واقع می‌شوند. هر در بررسی لغات و واژه‌های متناظر بر شادی، هفده واژه متناظر با مفهوم شادی در قرآن و روایات آمده، که از آن بین، واژه‌های فرح (در آیات و روایات)، داعب (در روایات)، سرور (در آیات و روایات) و ضحک (در آیات و روایات) جزء واژگان مشترکی بوده که در مفهوم شادی ممدوح و شادی مذموم به کار رفته است.

و. شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن با رویکرد همایندهای علی و با هم‌آیی قابل بررسی و تفسیر می‌باشد.

۱-۳. روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی به همایندهای علی شادی ممدوح و مفهوم‌شناسی آن در آیات و روایات؛ مطالعه موردی واژه‌های ضحک، داعب، فرح، سرور مبتنی بر نظریات زبان‌شناسی فرث، پالمر، در حوزه زبان‌شناسی کاربردی، می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

همایندی یا باهم‌آیی: هم‌نشینی مفهومی که تمایل به ظاهر شدن در کنار یکدیگر دارند، فرایند همایندی یا باهم‌آیی نامیده می‌شود که نقش سازنده‌ای در شکل‌دهی نظام مفهومی ایفا می‌کند (ر.ک؛ پناهی، ۱۳۸۱ش: ۲۰۰) باهم‌آیی (همایند) اصطلاحی است که فرث در نظریه معنایی خود مطرح کرده است. او این رویکرد زبانی را معنا بنیاد فرض کرد نه دستوری، و آن را برای نامیدن و مشخص کردن ترکیبات، بر اساس رابطه معنایی اصطلاحی و بسامد وقوع آنها در زبان، به کار برد. به نظر او، هم‌نشینی یکی از شیوه‌های بیان معنی است (ر.ک؛ پالمر، ۱۳۷۴ش: ۱۷۰) واژه‌ها در هر یک از هم‌نشینی‌های گوناگون می‌توانند معانی متفاوتی پیدا کنند و ملاک تشخیص جواز باهم‌آویی را نه تنها معنی انفرادی هر یک از واژه‌ها بلکه عرف زبانی در هم‌نشینی آنها می‌داند.

همایند علی یا باهم‌آیی علی: به نظر پالمر، یک واژه در هم‌نشینی با واژه‌هایی قرار می‌گیرد که از نظر معنایی با آنها به جهت یا جهاتی سنخیت داشته باشد. بر مبنای رابطه مفهومی، همایندهای مرتبط که حکایت از زنجیره بهم پیوسته‌ای داشته و در کلیت، رابطه این همایندها علت و منشأ مفهوم واقع می‌شوند.

۳. همایندهای علی با شادی ممدوح

واژه‌ها در هر یک از هم‌نشینی‌های گوناگون می‌توانند معانی متفاوتی پیدا کنند و ملاک تشخیص جواز باهم‌آویی را نه تنها معنی انفرادی هر یک از واژه‌ها بلکه عرف زبانی در هم‌نشینی آنها می‌داند؛ به نظر پالمر، یک واژه در هم‌نشینی با واژه‌هایی قرار می‌گیرد که از نظر معنایی با آنها به جهت یا جهاتی سنخیت داشته باشد. بر مبنای رابطه مفهومی، چهار ترکیب همایندی مرتبط با شادی ممدوح استخراج شد که حکایت از زنجیره بهم پیوسته‌ای دارد که در کلیت، رابطه این همایندها علت و منشأ شادی ممدوح واقع می‌شوند که در ذیل به آن پرداخته می‌شود.

۳-۱. یقین و رضامندی

شادمانی در منابع مختلف به معنای خوشحالی، رضایت از زندگی، احساسات مثبت و زندگی معنادار بیان شده است. در لغت نامه دهخدا به خوشحالی، بهجت، مسرت و نشاط و طرب معنی شده است. نشاط و شادی، احساس بهزیستی و رضایتمندی است کنایه از سعادت (مؤسسه لغت نامه دهخدا: ذیل شادی) «یقین و رضامندی» یکی از مفاهیم مهم در معارف اسلامی، و از عوامل سعادت و نقش آن در شادکامی و همچنین یکی از هماندهای علی مرتبط با شادی ممدوح است. در حدیثی از پیامبر خدا (ص) در این رابطه آمده: «إِنَّ اللَّهَ بِحُكْمِهِ وَفَضْلِهِ جَعَلَ الرُّوحَ وَالْفَرْحَ فِي الْيَقِينِ وَالرِّضَا» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵ش: ۴۲۶) خداوند - از روی حکمت و لطف خویش - آسایش و شادمانی را در یقین و خرسندی قرار داد و غم و اندوه را در شک و ناخرسندی [از خدا]. (رک؛ دیلمی، ۱۳۷۶ش، ج ۱: ۳۳۲).

بنابر این حدیث، یقین و رضامندی، زمینه بروز و علت شادی ممدوح معرفی می‌شود؛ یقین و رضامندی را در روایات از ارکان چهارگانه ایمان شمرده‌اند. ترمذی در کتاب سنن خود از پیامبر خدا (ص) چنین نقل می‌کند:

«مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ رِضَاهُ بِمَا قَضَى اللَّهُ لَهُ، وَمِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ تَرْكُهُ اسْتِخَارَةَ اللَّهِ، وَمِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ سَخَطُهُ بِمَا قَضَى اللَّهُ لَهُ» (الترمذی، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۴۵۵) از نیک بختی فرزند آدم، خشنودی اوست به آنچه خداوند برای او حکم نموده است، و از تیره بختی فرزند آدم، ترک طلب خیر از خداوند است و [نیز] از تیره بختی فرزند آدم، ناخشنودی اش از حکم خداوند درباره اوست.

واکنش به قضا و قدر الهی، یا رضامندی (الرضا) یا نارضایتی (سخط) است؛ همان گونه که در روایات، سه واژه قضا، بلاء و نعماء با هم می‌آیند، سه مفهوم «رضا»، «صبر» و «شکر» نیز در کنار هم ذکر می‌شوند. آمدی، از امام علی (ع) نیز در این باره چنین نقل می‌کند: «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ رُزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ هُنَّ: الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَالصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ، وَالشُّكْرُ فِي الرِّخَاءِ». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۳۱) سه چیز در هر کس باشد، در حقیقت، خیر دنیا و آخرت نصیبش گشته است: خشنودی به قضا، شکیبایی بر گرفتاری و سپاس‌گزاری در آسایش.

رضامندی به صورت کلی یعنی راضی بودن از آنچه خداوند متعال تقدیر می کند. اما به صورت عینی و مشخص، یعنی واکنش مناسب به هر کدام نشان دادن؛ و این یعنی این که نسبت به داشته‌ها، «شکر» و نسبت به نداشته‌ها، «صبر» و نسبت به بایدها، «رغبت» و نسبت به نبایدها، «کراهت» داشته باشد.

امام علی(ع)، همانند رضامندی در قناعت و شادی ممدوح را اینگونه بیان می دارند:

«مَنْ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْغَةِ الْكِفَافِ فَقَدْ انْتَضَمَ الرَّاحَةَ، وَتَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعَاةِ.» (سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱) آن که به اندازه کفاف بسنده کرد، به آسایش دست یافت و در آرامش جای گرفت.

انسان‌های قانع، از رنج و حرص، رها هستند و آسایش را به چنگ می آورند و آسودگی و شادابی را تجربه می کنند. امام علی(ع) برای رضامندی و سرور ثمره‌ای عنوان می کند: «السُّرُورُ يَبْسُطُ النَّفْسَ، وَيُثِيرُ النَّشَاطَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۱۳) شادی نفس را می گشاید و نشاط را برمی انگیزاند.

بر پایه این سخن، سرور و شادی، حالتی است که در اثر آن، اولاً دل و جان انسان باز می شود، یعنی آدمی در درون احساس گستردگی و آسایش می کند؛ ثانیاً، موجب نشاط، سرزندگی و آمادگی روحی برای کار و تلاش بیشتر می گردد.

۲-۳. تکیه گاه مطمئن

یکی از مسائل مهم زندگی ما، داشتن نقطه اتکاست. نقطه اتکای مناسب یکی دیگر از همایندهای علی مرتبط با شادی ممدوح و علت آرامش و شادی می شود. انتخاب تکیه گاه نادرست یا تصور بی پشتوانگی، موجب ناکامی در زندگی، و سرانجام، شکست و اندوه به ارمغان می آورد و شخص با عدم شادکامی و شکست، رو به رو خواهد گشت. بهترین و مطمئن ترین نقطه اتکا، خداوند متعال است؛ زیرا تنها اوست که از همه چیز آگاه است و بر هر کاری توانا و موجب آرامش و سرور وی می گردد؛ به همین جهت، خداوند متعال، تکیه بر فضل و رحمت او را در تأمین شادی، مطمئن تر از تکیه بر ثروت می داند: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس: ۵۸) به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند» و این از هر چه گرد می آورند بهتر است.

تکیه بر فضل و رحمت همایند علی مرتبط با شادی ممدوح بوده و همین مفهوم در آیه‌ای دیگر بیان می‌شود: «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (آل عمران: ۱۷۰) به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می‌شوند. امام علی (ع) تأکید می‌کند:

مَنْ وَثِقَ بِاللَّهِ أَرَاهُ السُّرُورَ، وَمَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ الْأُمُورَ (المحدث الإربلي، بی تا، ج ۲: ۳۴۶).
هر که به خدا اعتماد کند، خداوند شادمانی نشانش دهد و هر که به او توکل کند، خداوند کارهایش را کفایت کند.

۳-۳. خوش‌رویی و محبت

خوش‌رویی و خوش‌برخوردی، سبب جلب محبت افراد، تألیف قلوب و یکی دیگر از همانندهای علی مرتبط با شادی ممدوح است. امام علی (ع): «أَظْهَرُوا الْبَشَرَ فِيمَا بَيْنَكُمْ، وَالسُّرُورَ فِي مُلَاقَاتِكُمْ» خوش‌رویی همایند علی شادمانی و رشته دوستی را برقرار می‌کند: سَبَبُ الْمَحَبَّةِ الْبَشْرُ (ر.ک؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۲۶).

این محبت، گاه به صورت کمک به هم‌نوع نمود می‌یابد. پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَضْحَكُ إِلَى الرَّجُلِ إِذَا مَدَّ يَدَهُ فِي الصَّدَقَةِ، وَمَنْ ضَحِكَ اللَّهُ إِلَيْهِ غُفِرَ لَهُ» (متقی، ۱۴۱۹ق: ۱۶۱۶۶) هرگاه انسان دست خود را به دادن صدقه دراز کند، خداوند عز و جل به رویش لبخند می‌زند و هر که خدا بر او لبخند زند، آمرزیده است.

دست‌گیری هم‌نوع و صدقه دادن، لبخند و شادمانی خداوند را به ارمغان می‌آورد بازتاب آن، شادمانی جاودانه یعنی آموزش نیکوکاران است. خوش‌رویی و شوخ‌طبعی به عنوان الگویی رفتاری امامان و پیامبران معرفی می‌شود: امام صادق (ع): «فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّ الْمُدَاعِبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخَلْقِ، وَأَنْتَ لَتَدْخُلُ بِهَا السُّرُورَ عَلَى أَحَبِّكَ وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُدَاعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ أَنْ يَسُرَّهُ» (ر.ک؛ الشیخ الكليني، ۱۴۰۷ق، ج ۲:

۶۶۳) این گونه نکنید؛ زیرا شوخی (الْمُدَاعَبَةُ) از خوش خوبی است و تو بدان وسیله برادرت را شاد می‌سازی. رسول خدا(ص) برای این که کسی را شاد کند، با او شوخی می‌کرد (يُدَاعِبُ).

مزاح گونه‌ای از حسن خلق است، و به وسیله آن شادی در دل برادر مؤمن وارد می‌شود و سبب شادمانی ممدوح می‌گردد. دامنه این شادی، بسیار است: امام کاظم(ع): «مَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُوراً فَرَّحَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (همان: ۱۹۷) هر کس که بر دل مؤمنی شادمانی وارد کند، خداوند در روز قیامت، قلبش را شاد می‌سازد.

محبت و شاد کردن دل مومن، شادمانی جاودانه را در آخرت تضمین می‌کند. همین مفهوم به گونه‌ای دیگر از امام باقر(ع) آمده: «مَنْ أَدْخَلَ عَلَى رَجُلٍ مِنْ شِيعَتِنَا سُوراً فَقَدْ أَدْخَلَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَكَذَلِكَ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيْهِ أَدَى أَوْ غَمًّا» (النوری الطبرسی، ۱۳۶۶ ش، ج ۹: ۱۰۰) هر کس مردی از شیعیان ما را شاد کند، آن را مصاحب رسول خدا(ص) می‌گرداند و همچنین است هر کس به او آزار و ناراحتی برساند.

در فرازی دیگر، رسول خدا(ص) می‌فرماید: «لِلْجَنَّةِ بَابٌ يُقَالُ لَهُ: الْفَرَحُ، لَا يَدْخُلُ فِيهِ إِلَّا مَنْ فَرَّحَ الصَّيَّانَ». (متقی، ۱۴۱۹ ش، ج ۳: ۱۷۰) بهشت دری دارد به نام «شادمانی». جز کسی که کودک‌کان را شادمان کرده باشد، از آن وارد نمی‌شود.

ورودی بهشت، بخشیدن شادی، به ویژه به کودک‌کان است یا به نقلی دیگر: رسول خدا(ص) می‌فرماید: «إِنَّ فِي الْجَنَّةِ دَاراً يُقَالُ لَهَا: دَارُ الْفَرَحِ، لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ فَرَّحَ يَتَامَى الْمُؤْمِنِينَ». (همان: ج ۳: ۱۷۰) همانا در بهشت سرایی است به نام دارالفرح که تنها کسانی به آن در آیند که کودک‌کان را شاد کنند.

از این رو بیانگر این است که ورود به بهشت و شادمانی اخروی با شاد کردن کودک‌کان یا کودک‌کان یتیم، مرتبط است. نیکی و محبت در کلام ائمه بزرگوار به صورت همانندهای علی مطرح می‌شود: امام حسین(ع): «اعلموا أَنَّ الْمَعْرُوفَ يُكْسِبُ حَمداً وَيُكْسِبُ أَجراً، فَلَوْ رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ رَجُلًا رَأَيْتُمُوهُ حَسَنًا جَمِيلاً، يَسُرُّ النَّاطِرِينَ وَيَفُوقُ الْعَالَمِينَ» (الحلوانی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۸۱) بدانید که کار نیک، ستایش و ثواب به همراه دارد، اگر مردی را ببینی که کار نیک انجام می‌دهد، او را زیبا و نیکو متصور کنید، پسندیده بینندگان و برتر از جهانیان خواهید دید.

بدانید عمل به معروف سپاس آور است و پاداش به دنبال دارد اگر عمل نیک را به صورت یک مرد مشاهده می‌کردید هر آینه می‌دیدید که آن را خوبرو و زیبا که تماشاگران را دلشاد می‌کرد و اگر کردار بد را مشاهده می‌کردید، می‌دیدید آن را زشت و بدنما که دل‌ها از آن در فرار است و چشم‌ها از دیدنش پوشیده می‌شود.

اثر این کار نیکو و زیبا، تماشاگران را هم شاد می‌سازد و شادی ممدوح و ستوده است. همانند علی‌محببت و شادمانی تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که یکی از ویژگی‌های مؤمن معرفی می‌شود: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِيهِ دُعَابُهُ، قُلْتُ وَمَا الدُّعَابُ قَالَ الْمَزَاحُ» (طبرسی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۱۹۰) هیچ مؤمنی نیست جز اینکه در او دعابه است، سؤال شد: دعابه چیست؟ فرمود: شوخی کردن.

یا در کلامی دیگر از رسول‌الله (ص) می‌فرمایند: الْمُؤْمِنُ دَعِبٌ لَعِبٌ، وَالْمُنَافِقُ قَطِبٌ غَضِبٌ. (ابن شعبه، ۱۳۸۰ش: ۴۹؛ مجلسی، ۱۳۸۶ش: ج ۷۷: ۱۵۳) مؤمن، شوخ (دعب) و اهل بازی است و منافق، اخمو و خشمگین.

شوخی طبعی و شادمانی از نشانه‌ها و شاخصه‌های مومن در دنیا معرفی می‌شود. این نشانه‌ها تنها به این سرای گذرا محدود نمی‌شود: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ، ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ» (عبس: ۳۸-۳۹) یا در آیه‌ای دیگر: «وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (انشقاق: ۹).... «إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (انشقاق: ۱۳) چهره‌ها در آن روز، خوشرو و خندان است و علت این سیمما، شادمانی و خوش رویی در دنیا است.

۳-۴. موانع شادی پایدار

به نظر می‌رسد شادی‌های ناپایدار به ظاهر و به لحاظ ماهیت تفاوتی با شادی‌های پایدار ندارند، ولی در رویکرد دینی، پیامدهای منفی در شادی‌های ناپایدار متصور است به عبارتی دیگر، این‌گونه شادی‌ها حالت‌های هیجانی زودگذر یا سراب‌گونه و ناپایدار دارند.

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «مَنْ اطَّرَحَ الحَقْدَ اسْتَرَاخَ قَلْبُهُ وَ لُبُّهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ح ۱۹۶۲) هرکس کینه را دور بریزد، قلب و عقلش آسوده گردد.

این که حضرت امام علی (ع) می‌فرماید «اطْرَحَ الْحِقْدَ» یعنی کینه در دل می‌افتد و شادی ممدوح و پایدار رخت می‌بندد. گاهی انسان در معرض بعضی حالت‌های نفسانی قرار می‌گیرد و چیزهایی به دلش می‌افتد که عمدی هم نیست. اگرچه شادی و لذت کینه ورزی در ابتدا بسیار شیرین و دلپسند جلوه می‌کند، ولی این شادمانی پایدار نمی‌ماند و پیوسته روحش در عذاب و اندوهش رو به افزایش است و نمی‌توان مشخصه شادی پایدار را در آن جستجو کرد. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «كَمْ مِنْ شَهْوَةٍ سَاعَةٌ أَوْرَتْ حُزْنَ طَوِيلًا» (الشیخ الكلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۵۱) چه بسا لذت آنی که حزنی طولانی به ارمغان آورد.

از این رو دوری از شادی‌های ناپایدار، یکی دیگر از همایندهای علی مرتبط با شادی ممدوح است و نزدیکی به این شادی‌ها گاه محضت بار است: امام علی (ع): «لَا تَقَوْمُ حَلَاوَةَ اللَّذَّةِ بِمَرَارَةِ الْأَفَاتِ» (همان: ح ۱۰۸۶۵). شیرینی لذت بر تلخی بلاها مبتنی نمی‌شود.

در واقع، شهوت‌های فانی، هیچ لذت واقعی‌ای ندارند. فقهه‌های مستانه و ناپایدار، سیمای مومن واقعی نیست: رسول خدا (ص) می‌فرماید: «ضَحِكُ الْمُؤْمِنِ تَبَسُّمٌ، وَالْقَرْقَرَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ» (الشیخ الكلینی، ج ۲: ۶۶۴) خنده مؤمن، تبسم است و قهقهه، شیطانی است.

۴. معناشناسی واژگان متناظر با شادی ممدوح

در ادامه بررسی مفهوم شادی ممدوح، نیاز به بررسی جوانب واژگانی و معنایی آن در متون دینی از جمله قرآن می‌باشد. در واکاوی لغات و واژه‌های متناظر بر شادی، که در قرآن و روایات به کار رفته، می‌توان به «سرور، غبطه، جبور، فرح، نضره، بهج، فکاهه، ضحک، هزه، غمز، لمز، همز، مزح، مرح، داعب، هزل و بطر» اشاره کرد. برخی از این واژگان، هم در آیات و روایات، و برخی دیگر تنها در یکی از این متون دینی، به کار رفته است. همانگونه که پیشتر گذشت، هفده واژه متناظر با مفهوم شادی در قرآن و روایات آمده، که از آن بین، واژه‌های فرح (در آیات و روایات)، داعب (در روایات)، سرور (در آیات و روایات) و ضحک (در آیات و روایات) جزء واژگان مشترکی بوده که هر دو مفهوم شادی ممدوح و شادی مذموم آمده است. هر یک از این واژگان در عین اشتراک، دارای افتراق‌ها و تمایزهایی است که موجب امتیاز به کارگیری هر یک در موقعیت خاص و معین می‌شود و لطایفی منحصر به فرد را بیان می‌کند.

۴-۱. ضحک

ضِحْک (به کسر ضاد) و ضَحِک (به فتح ضاد و کسر حاء) از واژگان قرآن کریم به معنای خنده است. بنا بر تعریف برخی از لغت‌شناسان، اگر سرور با صدا باشد تبسم، اگر صدایش از دور شنیده شود، قهقهه، و گرنه ضحک است. به مسخره از روی استعاره ضحک می‌گویند، همچنین ضحک در سرور مجرد و در تعجب نیز استعمال می‌شود (قرشی بنابی، ۱۳۰۷ش، ج ۴: ۱۷۲) قاموس القرآن، به نقل از مجمع می‌آورد که ضحک به فتح ضاد به معنی حیض است (همان: ۱۷۳) راغب اصفهانی گوید: به علت ظاهر شدن دندان‌ها در خندیدن، دندان‌های جلوی را ضواحک گفته‌اند. به مسخره از روی استعاره ضحک گویند. و در سرور مجرد و در تعجب نیز استعمال می‌شود (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۰۱) ضحک در هر دو مفهوم (شادی مذموم و ممدوح) در قرآن و روایات، به کار رفته است که در ذیل به بررسی مفاهیمی که با شادی ممدوح هماهنگی دارد، پرداخته می‌شود:

«وَجُوهٌ یَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ» (عبس: ۳۸-۳۹) چهره‌هایی در آن روز گشاده و نورانی است خندان و مسرور است

این آیه بیان می‌کند که در آن روز مردم به دو قسم منقسم می‌شوند، قسمی اهل سعادت، و قسمی دیگر اهل شقاوت، و اشاره می‌کند به اینکه هر یک از این دو طایفه با سیما و قیافه‌اش شناخته می‌شود، اهل سعادت چهره‌هایی نورانی و درخشان دارند، که فرح و سرور و انتظار آینده‌ای خوش از آن چهره‌ها هویدا است، پس معنای "مستبشره" همین است که از دیدن منزلگاه خود که به زودی بدانجا منتقل می‌شوند خوشحالند (الطباطبائی، ۱۳۵۱ش، ج ۲۰: ۲۱۰).

بررسی: این آیات، مردم را در قیامت به دو دسته تقسیم می‌کند: اهل سعادت و اهل شقاوت، که هر دو گروه با سیما و چهره‌شان شناخته می‌شوند؛ چهره‌هایی نورانی و درخشان دارند، که فرح و سرور و انتظار آینده‌ای خوش از آن چهره‌ها هویدا است، چون صورت انسان، آئینه سیرت اوست و شادی و غم درونی او در چهره‌اش ظاهر می‌گردد. این سوره با چهره درهم کشیدن در دنیا آغاز و با چهره دود آلوده شدن در قیامت پایان می‌یابد. نکات آیه بیانگر آن است:

الف. چهره باز و خندان یک ارزش است. «مسفره، ضاحکه»

ب. خنده‌های قیامت، بر اساس بشارت به آینده‌ای روشن است. «ضاحکه مستبشره» سرور قیامت در ادامه نیک زیستن دنیوی است؛ به عبارت دیگر نیکو زیستن، شادی ممدوح اخروی است.

ج. صورت اهل ایمان و تقوا، شاد و خندان است. (به قرینه اینکه صورت اهل کفر و فجور، دود آلود است) «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ... وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ» از این رو دین اسلام، گرایش به شادی برآمده از اعمال داشته و شادی ممدوح پاداش اهل ایمان است.

د. از بهترین شیوه‌های مشاهده شادی ممدوح، مقایسه است. «وجوه... وجوه».

ه. شادی برآمده از اعمال نیک، پایدار تر و ممدوح است و از سوی دیگر شادی برآمده از گناه گذرا و نقابی غیر واقعی و یا به عبارتی شادی مذموم است؛ گناه، باعث می شود که چهره پاک الهی انسان، با نقابی غیر خندان، زشت و سیاه پوشیده شود. «علیها غبره ترهقها قتره».

و. «ضاحکه» با مفهوم «چهره نورانی» همراه شده، به معنای شادمانی ممدوح بوده که تبلور اعمال نیک است.

ز. «مستبشره» با خبر شدن از مطلب شادی که از آن بشره و پوست صورت شکفته شود.

- رسول الله (ص) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَضْحَكُ إِلَى الرَّجُلِ إِذَا مَدَّ يَدَهُ فِي الصَّدَقَةِ، وَ مَنْ ضَحِكَ اللَّهُ إِلَيْهِ عَفَرَ لَهُ» (متقی، ۱۴۱۹ق: ۱۶۱۶۶) هر گاه انسان دست خود را به دادن صدقه دراز کند، خداوند عز و جل به رویش لبخند می زند و هر که خدا بر او لبخند زند، آمرزیده است.

بررسی: «یضحک» با عمل نیک «صدقه دادن» پیوند خورده، به معنای شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه این کنش رفتاری، مغفرت، ایمان و شادی ممدوح، خودنمایی می کند. در این فراز بازتاب رفتار، آنقدر فراتر از عالم انسانی رفته، تا آن که سبب شادی آفریدگار می شود تا آنجا که می توان گفت شادی برآمده از رفتار نیک پایا تر و وسعت بیشتری دارد.

- امام علی (ع): «إِنْ ضَحِكَ فَلَا يَعْلُو صَوْتُهُ سَمِعَهُ (نصیبی، بی تا: ۵۴).

«چون بخندد، صدای خنده اش از گوشش فراتر نمی رود».

بررسی: «ضحک» با مفهوم «وقار و بزرگ منشی» همراه شده، به معنای شادمانی ممدوح و در حد اعتدال خودنمایی می‌کند به نظر می‌رسد در اینجا برای شادی ممدوح محدوده‌ای ظاهری ترسیم شده که فراتر از آن با وقار اهل ایمان سازگاری ندارد.

- پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: «ضَحِكُ الْمُؤْمِنِ تَبَسُّمٌ، وَالْقِرْقَرَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ» (الشیخ الكلینی: ج ۲: ۶۶۴) خنده مؤمن، تبسم است و قهقهه، شیطانی است.

۲-۴. داعب

دَعَبٌ و دَعَابَةٌ به معنای مزاح و شوخی کردن است: دَعَبَهُ دَعْبًا و دَعَابَةً: مازحه. دُعَابَةٌ به معنای مزاح و بازی و سخن مضحک است. مَدَاعِبُ جمع مَدْعَبَةٍ به معنی دعابه و مزاح است (قرشی بنایی، ۱۳۷۷ش، ج ۱: ۳۸۴) داعب در هر دو مفهوم (شادی مذموم و ممدوح) در روایات، بکار رفته است که در ذیل به بررسی مفاهیمی که با شادی ممدوح منطبق بوده، پرداخته می‌شود:

- امام صادق(ع): «فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّ الْمَدَاعِبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ، وَأَنَّكَ لَتَدْخِلُ بِهَا السُّرُورَ عَلَى أَحِيكَ وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُدَاعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ أَنْ يَسْرَهُ» «این کار را نکنید (و مزاح را ترک نگویند) زیرا مزاح شاخه‌ای از حسن خلق است، و به وسیله آن شادی در دل برادر مؤمن خود وارد می‌کنی و پیامبر(ص) با افرادی شوخی می‌کرد، تا آنها را خوشحال کند».

بررسی: «مداعبه» با مفهوم «خوش اخلاقی» پیوند خورده، و شاخه‌ای از آن به حساب می‌آید و سبب گسترش شادی در بین مؤمنان می‌شود. این شادمانی، شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه حقیقت و ایمان خودنمایی می‌کند.

- «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِيهِ دُعَابَةٌ، قُلْتُ وَمَا الدُّعَابَةُ قَالَ الْمَزَاحُ» هیچ مؤمنی نیست مگر این که در او دعابه وجود دارد، راوی می‌گوید: سؤال کردم دعابه چیست؟ فرمود: مزاح است.

بررسی: «دعابه» یکی از شاخصه‌های مؤمن معرفی شده است با مفهوم «شوخی طبعی و خوش اخلاقی» همراه شده، و از این تعبیر استفاده می‌شود مؤمنان نباید خشک باشند، و یکی از شاخه‌های حسن خلق مزاح‌های حساب شده و توأم با تقوا است و هرگاه فراتر از خوش اخلاقی، رود و همطراز سبک سری گردد، شادی مذموم شمرده می‌شود.

رسول خدا(ص) می‌فرماید: الْمُؤْمِنُ دَعِبٌ لَعِبٌ، وَالْمُنَافِقُ قَطِبٌ غَضِبٌ (ر.ک؛ ابن شعبه، ۱۳۸۰ش: ۴۹، مجلسی، ۱۳۶۸ش، ج ۷۷: ۱۵۳) مؤمن، شوخ و شنگ است و منافق، اخمو و عصبانی. بررسی: «دعب» یا همان خوش اخلاقی از شاخصه‌های معرف مؤمن و «قطب» یا همان ترش‌رویی از شاخصه‌های معرف منافق محسوب می‌شود که به عنوان وجه تمایز مؤمنان و منافقان شناخته می‌شود. «داعب» با مفهوم «سبک شدن» همراه شده، و به معنای شادمانی مذموم بوده که از حد اعتدال خارج شود و همراه باطل خودنمایی می‌کند.

۴-۳. فرح

«فرح» در لغت مخالف حزن و اندوه است و عبارت است از لذت قلب و روح که ناشی از رسیدن به مطلوب می‌باشد. در بیانی گفته شده «فرح» شرح صدر است به سبب لذت زودگذر که اکثراً بر لذات حسی و دنیوی صدق می‌کند. فَرَحَ (به فتح فاء و راء) از واژگان قرآن کریم به معنای شادی و شادی توأم با تکبر است و فَرِحَ (به فتح فاء و کسر راء) شادمان متکبر است (ر.ک؛ قرشی بنایی، ۱۳۰۷ش، ج ۵: ۱۵۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۶۲۸) «فرح» در هر دو مفهوم (شادی مذموم و ممدوح) در قرآن و روایات، به کار رفته است که در ذیل به بررسی مفاهیمی که با شادی ممدوح هماهنگی دارد، پرداخته می‌شود:

«فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (آل عمران: ۱۷۰) به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند، و برای آن مؤمنان راستینی که پس از آنانند و هنوز به ایشان نپیوسته‌اند مسرورند که ترسی آنان را فرا نمی‌گیرد و اندوهگین نمی‌شوند.

کلمه "فرح" ضد کلمه "حزن" است، و کلمه "بشارت" و "بشری" به معنای هر خیری است که تو را خوشحال کند، و کلمه "استبشار" به معنای این است که در طلب این باشی که با رسیدن خیری و بشرایی خرسندی کنی و معنای جمله این است که کشته شدگان در راه خدا هم از نظر رسیدن خودشان به فضل خدا و دیدن آن فضل خوشحالی می‌کنند و هم در طلب این خبر خوش هستند که رفقای عقب مانده‌شان نیز به این فضل الهی رسیدند، و آنها نیز خوفی و اندوهی ندارند (ر.ک؛ الطباطبائی، ۱۳۵۱ش، ج ۴: ۶۰).

بررسی: نکات آیه بیانگر این است: شادی شهدا به الطاف الهی است، نه عملکرد خودشان. «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». شهدا زندگی شادی در انتظار دارند، و در انتظار ملحق شدن دیگران هستند. «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ» علاقه به سعادت دیگران و ملحق شدن آنان به کاروان عزت و شرف، یک ارزش و شادی آور است. «وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا». شادمانی شهدا، همیشگی است و هرگز غم از دست دادن نعمت یا ترس به دل راه نمی دهند. «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» این شادمانی جاودانه است و در عالم برزخ، نیز بشارت و شادمانی وجود دارد. «یستبشرون». شهدا به نعمت، شادی و فضلی می رسند که برای ما شناخته نیست. کلمه «نعمه» و «فضل» نکره آمده است. «فرح» با مفهوم «بشارت» و «آسایش» همراه شده، به معنای شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه حقیقت و ایمان خودنمایی می کند. این شادی از جانب خداوند بوده و جاودانه و گسترده بر قلب مؤمن وارد می شود.

«قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس: ۵۸) ای پیامبر، بگو: به فضل و رحمت خدا، آری به این دو، که مایه سعادت آنان است شادمان باشند نه به ثروت و امکانات. این از هر ثروتی که فراهم می آورند بهتر است.

کلمه "فضل" به معنای زیادت است، و اگر "عطیه" را فضل می نامند بدین جهت است که عطاء کننده غالباً چیزی را عطاء می کند که مورد احتیاج خودش نیست. معنای آیه بنا بر این احتمال چنین می شود: آن موعظه و شفاء ما فی الصدور و هدی که خدای تعالی به عموم انسان ها تفضل کرده و آن رحمت که به خصوص مؤمنین داده و آنان را به زندگی طیب رسانیده سزاوارتر است به اینکه به داشتن آن، فرح و سرور داشته باشند تا این اموالی که برای خود جمع می کنند. چون خدای تعالی بعد از آنکه مردم را مخاطب قرار داد و از در منت گذاری فرمود که: این قرآن برای آنان موعظه و برای بیماری های درون سینه آنان شفاء و نیز برای آنان هدایت و برای خصوص مؤمنین ایشان رحمت است، از باب نتیجه گیری فرمود: حال که چنین است دیگر جا ندارد کسی به اموالی که جمع کرده خوشحالی کند بلکه سزاوار این است که مردم تنها به این نعمت ها خوشحالی کنند، نعمت هایی که خدا بر آنان منت نهاد و از باب فضل و رحمتش، آنها را در اختیارشان قرار داد. آری این نعمت ها که مایه سعادت آنان است،

و بدون آنها سعادت عایدشان نمی‌شود بهتر است از مالی که نه تنها خیری در آن نیست، بلکه مایه فتنه آنان، و چه بسا مایه هلاکت و شقاوتشان است (ر.ک؛ الطباطبائی، ۱۳۵۱ش، ج ۱۰: ۸۲).

بررسی: با توجه به شفا، موعظه و رحمت بودن قرآن که در آیه قبل بود، ظاهر این آیه آن است که مراد از فضل و رحمت، همان تمسک به قرآن باشد. مومنان به رحمت، شادی و فضلی می‌رسند که برای ما شناخته نیست. کلمه «رحمه» و «فضل» نکره آمده است. در روایات، فضل و رحمت، به نبوت و امامت تفسیر شده است. چنانکه فضل به نعمت‌های عام الهی و رحمت به نعمت‌های خاص خداوند تفسیر شده است. نعمت‌های مادی، گاهی سبب فتنه و فساد شده و زود گذر است، ولی نعمت‌های معنوی، پایدار، شادی آور و سبب رشد است. «خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ». این شادی از جانب خداوند و از روی رحمت بر قلب مؤمنان وارد می‌شود.

-امام کاظم(ع): «مَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُرُورًا فَرَحَّ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (الشيخ الكليني، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۹۷).

هر کس مؤمنی را شاد کند، خداوند در روز رستاخیز، او را بسیار دل‌شاد خواهد کرد. بررسی: «فرح» به مفهوم شادی حقیقی و جاودانه در روز قیامت تعبیر شده است که در امتداد و در نتیجه سرور دنیایی، بر مومن ظهور می‌یابد. این شادی، پاداشی الهی و از جانب آفریدگار بر قلب مؤمن وارد می‌شود به این خاطر که در دنیا، شادی را بر قلب مؤمن وارد ساخته است.

-پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: «لِلْجَنَّةِ بَابٌ يُقَالُ لَهُ: الْفَرَحُ، لَا يَدْخُلُ فِيهِ إِلَّا مَنْ فَرَحَ الصَّبِيَّانَ» (متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۱۷۰) بهشت دری دارد به نام «شادمانی». جز کسی که کودکان را شادمان کرده باشد، از آن وارد نمی‌شود.

بررسی: «فرح» با مفهوم شادی جاودانه و به عنوان یکی از درهای ورودی بهشت ترسیم شده است و پاداشی الهی است که کسانی که نسبت به کودکان، خوش اخلاقند می‌توانند از این درب بهشتی وارد شوند.

۴-۴. سرور

سرور به معنای شادی است؛ راغب آن را شادی مکتوم در قلب گفته است. در این صورت معنای سر در آن ملحوظ است (قرشی بنابی، ۱۳۰۷ش، ج ۳: ۲۵۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۴۰۴) سرور در هر دو مفهوم (شادی مذموم و ممدوح) آیات و روایات، به کار رفته است که در ذیل به بررسی آن پرداخته می‌شود: «وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (انشقاق: ۹) و شادمان به سوی کسانش (حوریان و خدمتکاران بهشتی) باز می‌گردد.

مراد از "اهل" آنیسهایی است که خدا برای او در بهشت آماده کرده، مانند حور و غلمان و غیره، و این معنا از سیاق استفاده می‌شود. ولی بعضی گفته‌اند: مراد از آن، عشیره مؤمن او هستند، که مانند او داخل بهشت شده‌اند. بعضی دیگر گفته‌اند: عموم مؤمنین بهشتی هستند، هر چند که عشیره و خویشاوند او نباشند، چون مؤمنین همه با هم برادرند. ولی این دو قول خالی از بعد نیست (الطباطبائی، ۱۳۵۱ش، ج ۲۰: ۲۴۳).

بررسی: در آیه نهم و سیزدهم، سخن از شادی و سرور در نزد خانواده است. برای سرور منظره‌هایی را در کتاب مجمع‌البیان نقل کرده‌اند: مراد از سرور اعتقاد و علم به رسیدن نفع به او، و یا دفع ضرر و زیان، از اوست در آینده. و عده‌ای گفته‌اند: سرور معنایی در قلب است که به سبب رسیدن به خواست قبلیش لذت می‌برد، می‌گویند خوشحال باش به سبب چنین امری از مال یا اولاد یا وصول بآرزو (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۸۰ش، ج ۲۶: ۳۹۶) ثمره سرور مستانه و غافلانه در دنیا، دوزخ است (غافر: ۷۵؛ انشقاق: ۱۳) و ثمره ایمان و تقوی در دنیا، سرور در میان بستگان در قیامت است. از حضرت علی (ع) درباره آیه «وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» سؤال شد. فرمودند: کسانی که در دنیا اهل و عیال انسان بهشتی بودند، اگر مؤمن باشند در آخرت نیز اهل او خواهند بود. در قیامت، حساب مردم گوناگون است؛ در روزی که برخی از یکدیگر فرار می‌کنند: «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ...» آن که حسابش آسان و جایگاهش بهشت باشد، به سوی خانواده‌اش باز می‌گردد. «وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (شاید فراریان از یکدیگر، مراد کافران باشند). «مسرور» با مفهوم «آرامش و آسایش» همراه شده، به معنای شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه حقیقت و رستگاری خودنمایی می‌کند.

- امام علی(ع): السُّرُورُ يَبْسُطُ النَّفْسَ وَيُثِيرُ النَّشَاطَ، الْعَمُّ يَقْبِضُ النَّفْسَ وَيَطْوِي الْأَنْبِسَاطَ (ر.ك؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۲۰۲۳ - ۲۰۲۴) شادی، انبساط روح می آورد و نشاط انگیز است. غم، گرفتگی روح می آورد و انبساط را در هم می پیچد.

بر اساس این گفتار، سرور مقدمه‌ای است که آدمی در دل خود، احساس گسترده‌گی و آسایش می‌کند و او را به کار و تلاش بیشتر سوق می‌دهد. بر این اساس سرور، هیجان مثبت درونی است که انبساط خاطر و پویایی را به همراه دارد.

بررسی: «یسر» با مفهوم «شادی مؤمنانه» همراه شده است به این معنا که شادی از گذر مزاحی شکل می‌گیرد و سبب شادی مؤمنان شده و ستوده شده است. حضرت رسول(ص) جهت از بین بردن اندوه مؤمنان، و جهت شاد کردن دل آنان، شوخی می‌کرد. این شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه حقیقت و ایمان خودنمایی می‌کند.

بررسی: رفتار نیک آدمی با مفهوم «حسن زیستن و رویکرد اجتماعی» همراه می‌شود به این معنا که شادی از گذر تماشای آدمی نیکو و زیبا ظهور می‌یابد. «یسر» با مفهوم «حسن رفتار» همراه شده، به معنای شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه حقیقت و رستگاری خودنمایی می‌کند.

- امام باقر(ع): «مَنْ أَدْخَلَ عَلَى رَجُلٍ مِنْ شِيعَتِنَا سُوراً فَقَدْ أَدْخَلَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَكَذَلِكَ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيْهِ أذىً أَوْ عَمًّا» (النوری الطبرسی، ۱۳۶۶، ج ۹: ۱۰۰) هر کس یکی از شیعیان ما را مسرور سازد، بی‌تردید، پیامبر خدا(ص) را مسرور کرده است، و همین‌گونه است اگر به او آزار یا اندوهی برساند.

بررسی: مسرور ساختن مؤمنان، سبب سروری می‌شود که از گذر شادی رسول خدا(ص) محقق می‌شود و این شادمانی با مفهوم «بشارت و آسایش» همراه می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

بر مبنای رابطه مفهومی، چهار ترکیب همبندی مرتبط با شادی ممدوح استخراج شد که حکایت از زنجیره بهم پیوسته‌ای دارد که در کلیت، رابطه این همایندها علت و منشا شادی ممدوح واقع می‌شوند؛ یقین و رضامندی، نقطه اتکای مطمئن، خوش رویی و محبت و دوری از شادی‌های ناپایدار، از جمله همایندهای علی مرتبط با شادی ممدوح است.

در بررسی لغات و واژه‌های متناظر بر شادی، هفده واژه متناظر با مفهوم شادی در قرآن و روایات آمده، که از آن بین، واژه‌های فرح (در آیات و روایات)، داعب (در روایات)، سرور (در آیات و روایات) و ضحک (در آیات و روایات) جزء واژگان مشترکی بوده که در مفهوم شادی ممدوح و شادی مذموم به کار رفته است.

الف) «ضحک» در سوره عبس با مفهوم «چهره نورانی» و در روایات با مفهوم «چهره مومن، وقار و بزرگ منشی، صدقه دادن» همراه شده، به معنای شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه حقیقت، مغفرت و ایمان خودنمایی می‌کند.

ب) «داعب» در روایات با مفهوم «خوش اخلاقی» پیوند خورده، و شاخه‌ای از خوش اخلاقی یا یکی از شاخصه‌های مومن، که به عنوان وجه تمایز مومنان و منافقان شناخته می‌شود، به حساب می‌آید و سبب گسترش شادی در بین مؤمنان می‌شود و هرگاه فراتر از خوش اخلاقی، رود و هم‌تراز سبک‌سری گردد، شادی مذموم شمرده می‌شود.

ج) «فرح» در آیات با مفهوم «بشارت، رحمت و آسایش» همراه شده، این شادی از جانب خداوند بوده و جاودانه و گسترده بر قلب مومن وارد می‌شود و هرگاه فراتر از بشارت و آسایش، رود و هم‌تراز شادی مغرورانه و سبک‌سری گردد، شادی مذموم شمرده می‌شود.

د) «فرح» در روایات با مفهوم «خوش رفتاری نسبت به یتیمان، خوش اخلاقی نسبت به کودکان، آرامش، بشارت و آسایش» همراه شده، این شادی، پاداشی الهی و از جانب آفریدگار بر قلب مؤمن وارد می‌شود به این خاطر که در دنیا، شادی را بر قلب مؤمن وارد ساخته است. فرح گاه به عنوان یکی از درهای ورودی بهشت ترسیم شده است و پاداشی الهی است که کسانی که نسبت به کودکان، خوش اخلاقند می‌توانند از این درب بهشتی وارد شوند و گاه با مفهوم شادی جاودانه و به عنوان یکی از منزلگاه‌های بهشت ترسیم شده است و پاداشی الهی است که کسانی که نسبت به یتیمان، خوش رفتارند می‌توانند به این خانه بهشتی وارد شوند.

ه) «سرور» در یک آیه قرآن با مفهوم «آرامش و آسایش» همراه شده، آن که حسابش آسان و جایگاهش بهشت باشد، اینگونه به سوی خانواده‌اش بازمی‌گردد.

و) «سرور» در روایات با مفهوم «ایمان، بشارت و آسایش، حسن معاشرت، مؤمنانه» همراه شده، و با دو رویکرد فردی و اجتماعی به معنای شادمانی ممدوح و در حد اعتدال بوده و همراه حقیقت و ایمان خودنمایی می‌کند.

ز) بوی خوش، عسل، نگریستن به سبزه و سوارکاری، از زمینه‌های بروز سرور با محوریت فردی می‌باشد. ح) رفتار نیک آدمی اگر به صورت آدمی مجسم می‌شد نیکو و زیبا ظهور می‌یافت که تماشاگران و اطرافیان از دیدن او مسرور می‌شدند و همچنین مسرور ساختن مؤمنان، آدمی را به درجه‌ای می‌رساند تا به پاداش این سرور، رسول خدا(ص) دل وی را شاد سازد.

منابع

قرآن.

نهج البلاغه.

ابن شعبه، حسن بن علی. (۱۳۸۰ش). **تحف العقول عن آل الرسول**. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). **لسان العرب**. بیروت: دارصادر.
پالمر، فرانک. (۱۳۷۴ش). **نگاهی تازه به معنی شناسی**. ترجمه کورش صفوی. تهران: نشر مرکز.
پناهی، ثریا. (۱۳۸۱ش). **فرایند باهم آیی و ترکیبات باهم آیند در زبان فارسی**. نامه فرهنگستان. سال پنجم. شماره ۳. (پیاپی ۱۹).

ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۱۹ق). **سنن الترمذی**. (الجامع الصحیح). قاهره: دار الحدیث.
تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). **غرر الحکم و درر الکلم**. قم: دار الکتب الإسلامی.
حسینی همدانی، سید محمدحسین. (۱۳۶۳ش). **انوار درخشان**. تهران: لطفی.
دیلمی، حسن بن ابی الحسن. (۱۳۷۶ش) **ارشاد القلوب الی الصواب**. ترجمه علی سلگی نهاوندی. قم: نشر ناصر.

راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۶ق) **المفردات**. دمشق: دارالقلم.
الراغب الاصفهانی. (۱۴۱۶ق). **مفردات الفاظ القرآن**. تحقیق صفوان عدنان داوودی. بیروت: الدارالشامیه.
شرتونی، سعید. (۱۳۷۷ش). **اقرب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد**. اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه
الشیخ الکلبینی. (۱۴۰۷ق). **الکافی**. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

- الطباطبائی، محمد حسین. (۱۳۵۱ش). **المیزان فی تفسیر القرآن**. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، علی بن حسن. (۱۴۱۸ق). **مشکاه الانوار فی غرر الاخبار**. قم: موسسه فرهنگی دار الحدیث.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۸۰ش). **ترجمه تفسیر مجمع البیان**. ترجمه و نگارش از احمد بهشتی؛ تصحیح و تنظیم موسوی دامغانی. تهران: فراهانی.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد. (۱۳۷۵ش). **روضه الواعظین و بصیرة المتعظین**. قم: انتشارات رضی.
- قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۰۷ش). **قاموس قرآن**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ . (۱۳۷۷ش). **مفردات نهج البلاغه**. تهران: مرکز فرهنگی نشر قبله.
- متقی، علی بن حسام الدین. (۱۴۱۹ق). **کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال**. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۶۸ش). **بحار الأنوار**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- المحدث الإربلی. (بی تا). **كشف الغمه فی معرفه الأئمه**. قم: نشر شریف الرضی.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۳ش). **حکمت نامه رضوی**. مترجم حمیدرضا شیخی. قم: چاپ و نشر دارالحدیث.
- _____ . (۱۳۸۷ش). **حکمت نامه امام حسین (ع)**. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر.
- _____ . (۱۳۹۱ش). **الگوی شادی از نگاه قرآن و حدیث**. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر.
- معین، محمد. (۱۳۸۱ش). **لغت نامه معین**. تهران: زرین.
- الحلوانی، حسین بن نصر. (۱۴۰۸ق). **نزهة الناظر و تنبيه الخاطر**. قم: مدرسه الإمام المهدي (عج).
- نصیبی، محمد بن طلحه. (بی تا). **مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول**. بیروت: موسسه البلاغه.
- النوری الطبرسی، میرزا حسین. (۱۳۶۶ش). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**. قم: موسسه آل البيت (ع).